



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A look at the level of thought of the Iraqi style through a new perspective (a look at the school of Romanticism)

H. Rafatjoo, M. Haji Mazdarani*, M. Gorji, A. Mirzaei.

Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 06 August 2020

Reviewed: 14 September 2020

Revised: 26 September 2020

Accepted: 10 November 2020

KEYWORDS

Iraqi style, characteristics, literary romantic movement, similarity

*Corresponding Author

✉ mhaji1343@pnu.ac.ir

☎ (+98 21) 84234132

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: The importance of the Iraqi style is not limited to the inclusion of many great works of Persian literature in it, but today, with the development of critical sciences and studies of Western literature, new angles of validity and importance of this style have been identified.




Recent studies in the field of Oriental studies and the relationship between Eastern and Western literature show that many features of Western art and literature, especially the literary school of Romanticism in the eighteenth and nineteenth centuries, bear a striking resemblance to Eastern art and literature, especially Iran, when The establishment of the Iraqi style according to the speakers of the sixth to ninth centuries AH in the region of Jabal, Zagros and Ajam has been non-existent. The purpose of this study is to analyze the Iraqi style from this angle.

METHODOLOGY: The present study has been done with a descriptive-analytical method with the aim of highlighting the similarity between Iranian sentimental literature and Western romantic literature by quoting European sayings and works as well as mentioning and analyzing examples of related works of Iraqi style.

FINDINGS: Realizing the similarity between the characteristics of the Iraqi style and some components of the school of Romanticism, especially at the intellectual level, is one of the most important achievements of this study.

CONCLUSION: Coordinates such as sentimentality, individualism, imagination, religiosity, introversion and sorrow, as well as the tendency towards nature, which are characterized by the literary school of Romanticism, in the works of Iraqi style literature are clearly different from those mentioned in other literary styles. It shows itself, so that according to critics and the existence of Western literary books that have been written according to the works of Persian literature, especially in the Iraqi style, certain traces of similarity with romanticism can be found in this style.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.5271](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.5271)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 29	 1	 0

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

نگاهی به سطح فکری سبک عراقی از دریچه‌ای تازه (نگاهی براساس مکتب رمانتیسم)

حامد رفعت‌جو، مرتضی حاجی‌مزدارانی*، مصطفی گرجی، علی میرزایی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: اهمیت سبک عراقی تنها به اشتغال بسیاری از آثار فخری ادبیات فارسی در آن محدود نمی‌شود، بلکه امروزه با توسعه علوم نقد و مطالعات آثار ادبی غربی، زوایای جدیدی از اعتبار و اهمیت این سبک مشخص گردیده است. مطالعات قرون اخیر در حوزه شرق‌شناسی و ارتباط ادب شرق و غرب، نشانگر آن است که بسیاری از ویژگی‌های هنر و ادب غرب بویژه مکتب ادبی رمانتیسم در سده‌های هجده و نوزدهم میلادی، شباهت ملموسی با هنر و ادب شرق، خصوصاً ایران، هنگام استقرار سبک عراقی بر سخن سخنوران قرنهای شش تا نهم هجری در منطقه جبال، زاگرس و عراق عجم داشته که هدف از تحقیق پیش رو تحلیل سبک عراقی از این زاویه است.

روش مطالعه: پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با هدف برجسته کردن شباهت ادبیات احساس‌گرای ایران و ادب رمانتیک غرب با شیوه استناد به سخنان و آثار اروپاییان و نیز ذکر و تحلیل نمونه آثار مرتبط سبک عراقی انجام پذیرفته است.

یافته‌ها: پی بردن به شباهت بین ویژگی‌های سبک عراقی و برخی از مؤلفه‌های مکتب رمانتیسم، خاصه در سطح فکری، از مهمترین دستاوردهای این پژوهش بشمار میرود.

نتیجه‌گیری: مختصاتی چون احساس‌گرایی، تفرّد، تخیل، دین‌مداری، درون‌گرایی و اندوه و نیز گرایش به طبیعت که مکتب ادبی رمانتیسم بدانها متصف است، در آثار ادبی سبک عراقی به شکلی بارز و متفاوت با مختصات مذکور در دیگر سبک‌های ادبی خودنمایی میکند؛ بطوریکه براساس گفته منتقدان و نیز وجود کتب ادبی غربی که با توجه به آثار ادب فارسی خصوصاً در سبک عراقی بنگارش درآمده‌اند، رگه‌های مشخصی از شباهت با رمانتیسم را در این سبک میتوان یافت.

تاریخ دریافت: ۱۶ مرداد ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۲۴ شهریور ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۰۵ مهر ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۲۰ آبان ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

سبک عراقی، ویژگی، نهضت رمانتیسم ادبی؛ تشابه.

* نویسنده مسئول:

✉ mhaji1343@pnu.ac.ir

☎ ۸۴۲۳۴۱۳۲ (۹۸ ۲۱+)

مقدمه

سبک عراقی در بین سبکهای ادبی ایران از جنبه‌های بیشتری حائز اهمیت است. یکی از مهمترین این جنبه‌ها، از منظر نقد ادبی و ادبیات تطبیقی است، خاصه در سطح فکری. اهمیت این مبحث از آنجا نشئت می‌گیرد که ویژگیهای مکاتب مدرن ادبیات در جهان، بیش از هر چیز مدیون مطالعات پیرامونی و اکتشافی است. در میان ویژگیهای متعدد سبک عراقی، یک مختصه که از آن میتوان به تشابه با ادبیات رمانتیک جهان و بویژه اروپا یاد کرد، خصائصی است که پژوهشگران ادبیات فارسی بدان کمتر پرداخته‌اند. انجام این پژوهش از یک سو به تقویت بنیه اینگونه مطالعات می‌انجامد و از سوی دیگر موجبات باز شدن لایه‌های مبهم نقادانه و سبک‌شناسانه مرتبط با ادبیات برون‌مرزی با نگاه واقع‌بینانه را فراهم می‌آورد.

سابقه پژوهش

مبحث حاضر مبتنی است بر تعدادی اثر درخصوص مسئله مکتب رمانتیسم و مختصات این مکتب. نهضت رمانتیک در ادبیات فرانسه، از غلامحسین زیرک‌زاده (۱۳۳۲) و کتاب سیر رمانتیسم در اروپا اثر مسعود جعفری جزی (۱۳۷۸) مرجعی نسبتاً جامع در زمینه مکتب رمانتیسم بشمار می‌روند. کتاب رمانتیسم اثر لیلیان فورست (۱۳۸۰)، همچنین مقاله «رمانتیسم، اصول و نفوذ آن در شعر معاصر ایران» از رضا اشرف‌زاده (۱۳۸۱)، مقاله «بررسی تطبیقی اشعار حافظ و امرسن» از محمود فتوحی و زهره تائبی (۱۳۸۹) و مقاله «جلوه‌هایی از رمانتیسم در شعر خاقانی» از نرگس اسکویی (۱۳۹۸) از مهمترین پیشینه‌های تحقیق هستند که از آنها در پیشبرد اهداف پژوهش استفاده گردیده است.

بحث و بررسی

مفهوم و ویژگیهای رمانتیسم

هرچند آرتورا. لاجوی اینگونه ابراز عقیده میکند که تعریف رمانتیسم «بسیاری کسان را ناکام گذارده است» (رمانتیسم، فورست: ص ۱۱)، تاکنون تعاریف زیادی درمورد این واژه از طرف صاحب‌نظران و نیز پیشگامان این مکتب ادبی ارائه شده که این امر گفته بورگام را درمورد ناکامی آنان در ارائه تعریفی درخور در باب واژه رمانتیسم تأیید میکند (A Dictionary of Literary terms revised edition, Cuddon: 587-588). فردریش شلگل که از پایه‌گذاران این نام در متون ادبی است، اعتقاد دارد که متعالیترین نوع رمانتیسم را باید در شرق جستجو کرد. درواقع با نگاهی گذرا به ادبیات گذشته شرقی، روشن خواهد شد که شباهت رمانتیسم با ادب شرق، حقیقتی انکارناپذیر است؛ چراکه ادبیات ملل همواره بر یکدیگر تأثیر متقابل داشته‌اند (قرائی، شهلا، حیاتی آشتیانی، کریم، ۱۳۹۴). «هوگو»، «لامارتین» و «موسه» به ادبیات فارسی توجه نشان داده‌اند (باستانگرایی در تاریخ معاصر ایران، بیگدلو: ص ۱۲۳) و حتی هوگو در قسمتی از کتاب «زنان شرقی» ملهم از این ادبیات است (بنیاد شعر نو در فرانسه و پیوند آن با شعر فارسی، هنرمندی: ص ۲۸۰). ترجمه کتابهای شرقی (مانند ترجمه هزار و یک شب) و سفرنامه‌های کسانی چون «برنیه»، «شاردن» و «تاورنیه» در باب ایران و هند و ... را نیز میتوان گواهی بر این مدعا دانست (سیر رمانتیسم در اروپا، جعفری جزی: ص ۹۷).

تعیین قواعد و ویژگی برای رمانتیسیم کاری است بسیار مشکل. از آنرو که خود پیشگامان رمانتیک نیز در مورد این مکتب آرای متفاوتی دارند (اشرف‌زاده، ۱۳۸۱). هنر رمانتیک کوشش دارد که در کنار زیباییها و خوبیهها، زشتیها و بدیها را نیز به تصویر بکشد و اندوه را با شادی نشان دهد (ادبیات تطبیقی، غنیمی هلال: ص ۶۹). اگر در عصر کلاسیک شاعر هنرمندی شمرده میشد که شعر را توسط اصول و قواعد، هنرمندانه می‌آراید و همانند یک صنعتگر نتیجهٔ زحمات خود را در قالبی زیبا به مخاطب عرضه میکند، در این روزگار شاعر بعنوان انسان صاحب درک و متعالی و برتر معرفی میشود (فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی، مقدادی: ص ۱۹۵)، زیرا در این دوره به موازات تحولات فرهنگی و اجتماعی، گرایشهای جدیدی در افکار و نگرش ادبا به جهان پیرامون خود احساس و سرانجام این امکان فراهم شد تا شاعران بتوانند آزادانه افکار و احساسات خود را از خلال شعر نو برشتهٔ تحریر درآوردند (مفهوم دقیق مدرنیته، قرائی و حیاتی آشتیانی، ۱۳۹۴).

نویسندهٔ رمانتیک سخنش از دل برمی‌آید، چراکه رمانتیسیم فلسفهٔ جنبش یا فراواقع‌گرایی است (جستارهایی پدیدارشناسانه پیرامون هنر و زیبایی، ضیمران: ص ۲۶۸) که بعضاً از آن بعنوان ایده‌آلیسم استعلایی یاد میشود. هنرمند رمانتیک دارای شخصیتی گریزنده از بند قواعد و طالب استقرار فرمانروایی «من» در هنر است (مکتبهای ادبی، سیدحسینی ج ۱: ص ۱۷۹). برهم زدن حدود مرز عشق، از دیگر مشخصات رمانتیکهاست. به گفتهٔ لامارتین «عشق زنجیر زرینی است که آسمان را با زمین پیوند میدهد» (رمانتیسیم اصول و نفوذ آن در شعر معاصر ایران، اشرف‌زاده، ۱۳۸۱)، پس این عشق به هیچ وجه قابل محدود شدن در نظر آنها نیست.

از دیگر ویژگیهای بارز رمانتیکها عشقی است عمیق به طبیعت وحشی و غالباً وهم‌آلود و غمگین (دربارهٔ ادبیات و نقد ادبی، فرشیدورد، ج ۲: ص ۷۴۰). «علاقه به دین» نیز مختصهٔ دیگر رمانتیکهاست؛ چنانکه شاتو بریان کتاب «جلال مسیحیت» را بر این اساس نوشت (همان: ص ۷۴۱).

خیالپردازی دردی به جان شاعر عصر رمانتیک است. در این جهان درونی اولین چیزی که شاعر با آن روبرو میشود وجودی است که رو به فنا میرود و هیچ راه بازگشتی ندارد (مکتبهای ادبی، سیدحسینی ج ۱: ص ۱۸۴). نهضت رمانتیک که نمایندهٔ پیروزی طرفداران «صالت فرد» است، گرایش شدیدی به «لیریسیم» (ادب غنایی و عاشقانه) دارد (نهضت رمانتیک در ادبیات فرانسه، زیرک‌زاده: ص ۴۳). علاقهٔ رمانتیکها به «لیریسیم» برخاسته از گرایش فزون از اندازهٔ آنان به قوای متخیله است و این خیالپردازی و تخیل رمانتیک، آنها را بسوی ادبیات غنایی که لقب «حرف ازدل‌برآمده» را میتوان به آن داد رهنمون میشود. بنابراین، شعر غنایی یکی از والاترین دستاوردهای نهضت رمانتیک است.

سبک عراقی و مؤلفه‌های رمانتیک

در میان سبکهای ادبی ایران، سبک رایج قرن هفتم تا اواخر نهم که از آن به سبک عراقی در سبک‌شناسی ادب فارسی یاد میگردد، حائز ویژگیهایی است که بطور خلاصه، درونی شدن شعر مهمترین آنها محسوب میشود. با توجه به خصوصیت «خردگریزی دنیوی» و گرایش شدید به معنویت و ستایش حیات معنوی انسان، شاعران سبک عراقی را میتوان «شاعرانی آسمانی» نامید (سدهٔ هفتم، عصر شاعران آسمانی، مظفری: ص ۲۸۵). بدین لحاظ، این سبک حاوی قویترین رگه از این مشابهت با رمانتیسیم در میان سبکهای ادبی است.

تشابهات سطح فکری سبک عراقی با مکتب رمانتیسم

با توجه به مطالب ذکرشده، در کل از مجموع چند ویژگی، تعریف بر واژه رمانتیسم شکل میگیرد: آزادی احساس و دوری از تکلف و مجال برای ابراز ادب غنایی و عشق؛ اندوهگرایی و تأسف به حال خود در فراق و غربت؛ تخیل زایدالوصف در توصیفات و بیان احوال؛ دین‌مداری، عرفان، شهود، مکاشفه و ارج نهادن به درون؛ علاقه به مظاهر طبیعت و گریز از مدنیت؛ فردگرایی و ارجاع فزاینده به «خویش». در جمع‌بندی ویژگیهای رمانتیسم، میتوان شش دسته کلی برای حاصل تشابهات سبک عراقی با مکتب رمانتیسم در سطح فکری قائل شد:

ردیف	عنوان	فروع	جمع
۱	آزادی	۱- آزادی احساس، ۲- دوری از تکلف، ۳- ادب غنایی، ۴- عشق.	۴ مورد
۲	اندوه	۱- غمگرایی، ۲- تأسف به حال خود، ۳- فراق.	۳ مورد
۳	تخیل	۱- خیالپردازی در توصیفات، ۲- خیالپردازی در بیان احوال.	۲ مورد
۴	متافیزیک	۱- عرفان، ۲- شهود، ۳- دین‌مداری، ۴- مکاشفه، ۵- ارج نهادن به باطن.	۵ مورد
۵	طبیعت‌گرایی	۱- گریز از مدنیت، ۲- علاقه به طبیعت وحشی و بکر.	۲ مورد
۶	تفرد	۱- خویشتن‌دوستی، ۲- خودمحوری، ۳- نفی اغیار	۳ مورد

کیفیت تشابه مصادیق ویژگیها

با مراجعه به نوشتار رمانتیکها، ارتباطی عمیق و شهودی با بعد روحی مشرقی‌صفت این هنرمندان قابل درک خواهد بود. محمود حدادی، محقق این حوزه، در مصاحبه‌ای راجع به مبحث گوته و ادب ایران عنوان نموده است: «گوته بیشتر از هر چیز به دنیای عاطفی شهر فارسی نزدیک میشود. او به کمک زبانهای فرانسوی، ایتالیایی، انگلیسی و لاتین تا هر جا که ترجمه‌ای از ادبیات فارسی به این زبانها در دسترس بوده، نه تنها با حافظ بلکه با عطار، مولانا، سعدی و تا حدی اندک فردوسی هم آشنایی برقرار میکند. بنابراین دانش او فقط به حافظ محدود نبوده است، بلکه در شناخت شعر فارسی تا آنجا پیش میرود که جهت درک بهتر هموطنانش از دیوان خود، در پسگفتاری مفصل، تاریخچه‌ای هم از ادبیات فارسی - از فردوسی تا جامی - می‌آورد. او با تکیه بر این اطلاعات است که به مضامین شعر شرقی و دنیای عاطفی آن مانند عرفان، رندی، مقابله عشق و عقل، پذیرش مشیت و ... نزدیک شده است» (حدادی، ۱۳۹۷).

مثال دیگر، ترجمه دیوان حافظ توسط هامر پور گشتال جهت استفاده علاقه‌مندان اروپایی است. همچنین ارتباط عمیق گوته با دیوان حافظ. پرویز معتمدی آذری در این باره مینگارد: «گوته حافظ را از ورای ترجمه هامر پورگشتال خواند و بهتر از همه معاصران خود و بیش از بسیاری از هموطنان و همزبانان حافظ به عظمت روح لسان‌الغیب ما پی برد، زیرا روح خود او با حافظ بسیار نزدیک بود. دیوان غربی-شرقی، گفتگوی دو فرهنگ و برای نشان دادن این نکته است که آن جوان (گوته) چگونه در آغوش این پیر (حافظ) آرام میگیرد و چگونه این پیر به وجود آن جوان امید میبندد. لذا گوته در دیوان شرقی این چنین میسراید: «در مشرق پاک، تن به نسیم پدر شاهی بسیار، تا که چشمه خضر، در بر عشق و می و آوازاها، شور ایام جوانی را به تو بازدهد. گوته همانگونه

که حافظ را میستاید، از اندیشه‌های وی برای سرایش دیوان شرقی خود تأثیر پذیرفته، خود را در گفتگو با حافظ میبیند» (معمدی، ۱۳۹۱).

عناصر سبک عراقی گویی بعد از قرون متمادی در نمونه آثار ذیل مشابه مییابند: مختصاتی چون هجران و فردیت و عشق و غم. در شعری از ویلیام بلیک شاعر رمانتیک انگلیسی میخوانیم: از برف لطیف خواستم که با من بازی کند، او بازی کرد و در بهار عمرش آب شد و زمستان آن را جرمی وحشتناک خواند

(Literature, Structure, sound sense Jovanovich :p 647)

در آغاز شعر *چکامه‌ای برای بلبل* از جان کیتس، سکر در شاعر چنین دیده میشود: دل من میگیرد و همه هوش و حواسم را احساس کرختی خماری به درد می‌آورد، گویی شوکران خورده‌ام ...

(Norton anthology of English literature Abrams :p 790)

بر این اساس که شاعر تمام وجود خود را یکایک در اثر رخوت، گند مییابد، حرکت شعر با حس شاعر درمی‌آمیزد و گویی تنها مهم این است که احساس این شاعر چگونه است و وجود او تحت تأثیر چه عواملی قرار گرفته است. در بخش پنجم، شعری با نام *قصیده‌ای بر باد صبا* اثر پرس بیش شلی، حقیقت خواست شاعر در کلامی چنین آورده میشود: مرا چنگ خود ساز ... روح من باش. خود من باش، ای بیپروا! در همه‌جای عالم فکر و اندیشه بیجان مرا بپراکن

(she alleys poetry and prose Remain , Donald . H and Sharon B :p 223)

در این شعر، شاعر خواهان آن است که باد صبا در وی جاری شود و با یکی شدن در پیکر و فکر او، این جان اندیشه‌شده را در سراسر گیتی بپراکند.

شعری با نام ستارگان، از هاینه: «ستارگان و زبانشان گویاترین زبانهاست، برتر از برترین عاشقانه‌ها. با این همه کس را به راز آنها راه نیست ...» (هاینریش هاینه و آثار او، ایون: ص ۲۰۳).

چنانکه ملاحظه شد، گذری در آثار رمانتیک غرب به نوعی همشکلی با شهود سبک عراقی در سطح فکری دلالت دارد که در حیطه مشخصات به شکل ذیل قابل طبقه‌بندی است:

احساس‌گرایی و عشق

در مقدمه *بن‌خلدون* آمده است: شرقیان به فطرت نخستین هوشمندترند و نفوس ناطقه ایشان از نفوس ناطقه مردم مغرب کاملتر است و تفاوت میان ما و ایشان در اختلاف حقیقت و ماهیت انسانیت است (مقدمه ابن خلدون، ج ۲: ص ۸۷۹). نوع رمانتیکی این انسانیت، احساس و عشق با نوع عرفانی آن تقریباً معادل است و این بدان معناست که اشعار بریده از زمین و با رویکرد آسمانی، احساس حقیقی رمانتیکی و شهودی را برای شاعر به ارمغان می‌آورد. اگرچه نوع زمینی عشق نیز در پرده‌هایی از نمایش نهضت رمانتیسم در طول تاریخ خودنمایی میکند، اما باید خاطر نشان ساخت حالت رمانتیکی احساس‌گرایی در ادب شرق بویژه ایران با نوعی شهود همراه است که جز با نگرش درون و بریدن از ظواهر و رویکرد به عشق حاصل نمیشود. حافظ چنین از جذبه عشق میسراید:

ندای عشق تو دیشب در اندرون دادند فضای سینۀ حافظ هنوز پر ز صداست

(دیوان حافظ: ص ۲۸)

و عشق مولانا در کلیات شمس:

ای عشق چون آتشکده در نقش و صورت آمده
از کلام جامی:
بر کاروان دل زده یک دم امان ده یافتی
(کلیات شمس: ص ۵۱)

گرچه معشوقی لباس عاشقی پوشیده‌ای
آنگه از خود جلوه‌ای بر خود تمنا کرده‌ای
(دیوان جامی: ص ۷۶۶)

اندوهگرایی و تأسف به حال خود در فراق و غربت

بازگشت شاعر به «خود» و رجعت به درون و بریدن از عوالم ظاهری و مادیات و بعضاً جلوه‌ یأس و ناامیدی و غم
حرمان و جدایی در اشعار این دوره، زیاد بچشم میخورد:
از رنجی که عطار میگوید:

روزکی چندی چو مردان صبر کن در رنج و غم
تا که بعد از رنج گنج شایگانی باشدت
(دیوان عطار: ص ۱۳)

از تداعی غم هجر در شعر خواجه:

ور دلم در چین زلفش بس غریب افتاده است
در دلم نبود غمش چون گنج در ویران غریب
(دیوان خواجه: ص ۱۸۸)

از بیان حاوی اندوه سلمان ساوجی:

میکشم دردی که درمانیش نیست
میروم راهی که پایانش نیست
(دیوان سلمان: ص ۲۶۰)

تخیل زایدالوصف در توصیفات و بیان احوال

شاعر سبک عراقی بطور گسترده‌ای به تخیل و حتی گاه اوهام پناه میبرد و نازک‌خیالیه‌ها و ظرافت طبع در اشعار
شعراى این سبک جلوه چشمگیری دارد. استفاده از صنایعی چون تشبیه و استعاره و نظایر آنها تا حد زیادی
کلام را در این سبک خیال‌انگیز ساخته است.

از عراقی:

گوش جانها پرگهر شد زانکه تو
از سخن دُر میچکانی ساقیا
(دیوان عراقی: ص ۸۸)

از سعدی:

باران اشکم می‌رود وز ابرم آتش می‌جهد
با پختگان گوی این سخن سوزش نباشد خام
را
(کلیات سعدی: ص ۴۱۷)

دین‌مداری و نگرش به عرفان از منظر هنری

سرودن اشعار هنرمندانه با استفاده از تفکرات و کلمات دینی و عرفانی و نگرش به عرفان از منظر هنری
خصوصیت برجسته شاعران سبک عراقی است.

از خواجه:

اگرچه ره عقل و دین می‌زنی
بزن مطرب این ره که راهی خوشست
(دیوان خواجه: ص ۳۸۴)

از عطار:

چون راست کاندر کار شد و ز کعبه در خمار شد
در کفر خود دیندار شد و ز کعبه در خمار شد
(دیوان عطار: ص ۵)

در مفهوم عشق تحول اساسی رخ میدهد و نوعی عشق افلاطونی در ابیات این سبک بوجود می‌آید که با همه تضرع عاشق، معشوق باز از او اعراض میکند.

طبیعت‌گرایی

میتوان گفت نگارش ادبی رمانتیک در ارتباط با موضوع بازگشت به بدویت است. احساس‌گرایی رمانتیسیم، احساس علاقه به طبیعت وحشی و گریز از مظاهر مدنیت و این ویژگی اساساً مترادف با بی‌آلایشی است که زرق‌وبرق و رنگ عارضی را می‌سترد و بجای آن، طالب رنگ واقعی و بعد ملموس و طبیعی‌اشیاست. رمانتیسیم دارای طبیعت‌گرایی ویژه‌ای است با ماهیت نامحدود

(Romantic poetry and prose, Bloom. Harold and Lionel Trilling: p65).

اصل طبیعت‌گرایی رمانتیک بر نامحدود بودن و بدوی بودن آن استوار است و دستی جز خیال بدان نمیرسد. شاعر سبک عراقی از جلوه طبیعت پاک برای مقصودش که نمایش احساسات رقیق است، استفاده میکند.

از کمال خجندی:

مردم به دور روی تو در گریه اند از آه من
شرط است باران ریختن در موسم گل باد را
(دیوان خجندی: ص ۱۱)

از سلمان ساوجی:

ما به سودای سر زلف تو چون گردیم خاک
باد گردی کآورد زان خاک عنبر بو بود
(دیوان سلمان ساوجی: ص ۳۱۳)

از مولانا:

از شهر مگو که در بیابان
موسیت رفیق من و سلواست
(کلیات شمس: ص ۱۸۱)

ز آب و گل عکس جمال خویشتن بنموده‌ای
شمع گل چنان رخسار و ماه سرو بالا کرده‌ای
(دیوان جامی: ص ۷۶۶)

فردگرایی و ارجاع فزاینده به «خویش»

تشخص فردیت رمانتیک: باوجودآنکه مکتب رمانتیسیم حائز ویژگیهای متعددی چون خلاقیت، حساسیت، ساختارشکنی و عشق خاص میباشد، باید گفت فردیت رمانتیک در آثار هنرمندان این مکتب دارای تشخص ویژه‌ای است. انسان‌محوری در سبک عراقی واقعاً تمام مشخصات تفرد احساس‌گرایانه و با رنگ‌وبوی شرق را

داراست و به اعتباری میتوان گفت سبک عراقی از منظر تشخیص فردیت میتواند یکی از نمایندگان ادبیات شرق قلمداد گردد.

ویژگیهای «من» رمانتیک: از سه تقسیم کلی خویشتن‌دوستی، خودمحوری و نفی اغیار، تقسیمات جزئیتری بر احراز اهمیت فردیت در آثار سبک عراقی قابل احصا است. عمده‌ترین خصائص فردیت رمانتیک سبک عراقی را چنین میتوان تقسیم‌بندی نمود:

هست هیچ‌انگاشته: از مختصات عمده تفرد رمانتیک سبک عراقی نوعی خاص از هیچ‌انگاری شخصی است. شکلی که در عین هیچ‌انگاری - خود - نوعی خودبرتری از سایرین در آن دیده میشود. گویی شاعر سبک عراقی میخواهد بگوید اگرچه من مقابل معشوق بی‌ارزش و حقیرم، اما این لیاقت که عاشق او گردم نصیب هرکس نمیشود. پس این من هستم، آن هیچ که در پیشگاه اوست!

گفتی ز خاک بیشترند اهل عشق من از خاک کمتریم (کلیات سعدی: ص ۵۷۳)
کاریمای ویژه درونی (من): تأکید فزون از حد شاعر سبک عراقی بر فردیت، تواناییهای ویژه‌ای را از وجود خویش به رخ مخاطب میکشد. نظیر بیت فوق در این سبک فراوان است. سخنی که عملی خارق‌العاده را به خود شاعر نسبت میدهد، اما بنحوی زیرکانه این عمل را در مسیر فدای معشوق شدن جای مینهد:

در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می‌رود
(همان: ص ۵۰۸)

قوافی و ردیفهای بازگردنده به خود: این مورد از شایعترین اشکال برجسته نمودن فردیت شاعر در ساختار شعر است:

من آن مرغم که هر شام و سحرگاه ز بام عرش می‌آید صفریم
(دیوان حافظ: ص ۲۲۸)

فردیت متغیر در کلام

شفیعی کدکنی در کتاب *ادوار شعر فارسی* معتقد است: «نوع عواطف هرکس سایه‌ای است از - من - او و بر این اساس میتوان - «من»ها را در سه گروه عمده تقسیم کرد: ۱- «من»های فردی و شخصی مثل اغلب گویندگان شعر درباری و بعضی شعرهای عاشقانه رمانتیک. ۲- «من»های اجتماعی که حوادث پیرامون را در قیاس با زندگی و خواسته‌های شخصی خود نمیسنجند و اگر من میگویند شخص خودشان منظورشان نیست. ۳ - «من»های بشری و انسانی که از مرز زمان و مکان محدود فراتر میروند و برای آنها سرنوشت انسان و مشکلات حیات انسانی مطرح است» (ادوار شعر فارسی، شفییعی کدکنی: صص ۹۴-۹۵). چنانکه ملاحظه میگردد انواعی از - من - در شعر ممکن است ظاهر شوند و در سبک عراقی تنوع این - من - بویژه در حوزه رمانتیک وجود دارد.

دل در بزم گرفت و پی یار من برفت لب بوسه داد و جان و روان از بدن برفت
(دیوان سلمان: ص ۲۶۷)

در من این هس که صبرم ز نکورویان نیست زرق نفروشم و زهدی ننمایم کان نیست
(کلیات سعدی: ص ۴۵۶)

«من» در قالب «ما»: در برخی از موارد منظور شاعر سبک عراقی از - ما - ، - خود - اوست.

سالها دل طلب جام جم از ما میکرد وانچه خود داشت ز بیگانه تمنا میکرد
(دیوان حافظ: ص ۹۶)

عشق تو مهمان و ما را هیچ نه
 نیم جانی پیش او نتوان کشید
 هیچ پیش میهمان نتوان نهاد
 پیش سیمرغ استخوان نتوان نهاد
 (دیوان عراقی: ص ۱۱۱)

«من» ناصح و نصیحت‌ناپذیر: گریز از ساختارهای موجود و عدم اطاعت از آن، از مختصات رمانتیسم است و درعین حال نوعی تعلیم را دربرمیگیرد که دیگران را به خویش دعوت میکند. در سبک عراقی تعلیم و گریز از نصیحت‌پذیری، توأمان وجود دارد. استاد و معلم این سبک سعدی است که - خود - را معلمی دانسته که باید آنچه به تجربه آموخته است را به انسانهای همه اعصار بیاموزد:

همین نصیحت من پیش گیر و نیکی کن
 که دامن از پس مرگم کنی به نیکی یاد
 (کلیات سعدی: ص ۷۱۰)

نصیحت‌گریزی - خود - شاعر بچشم می‌آید:

ناصرم گفت بجز غم چه هنر دارد عشق
 گفتم ای خواجه عاقل! هنری بهتر از این
 (دیوان حافظ: ص ۲۷۹)

فردیت - و کهن‌الگو در سبک عراقی

از دیدگاه یونگ، فردیت یافتن فرایند تجدید ارتباط و رویارویی با ناخودآگاه فردی و جمعی است. این ناخودآگاه در بطن ضمیر بشر راهنما بسوی خود و خویشتن است که درونیت‌ترین هسته روان نام گرفته است. وی من خودآگاه را بخش کوچکی از روان دانسته و بر این اعتقاد است که فردیت باعنی است بر پخته‌تر شدن انسان و غنیت شدن اندیشه وی. گاهی تفرد حاصله، الگوی پیر خردمند میگردد که اشعار حافظ نمونه کاملی است بر این پیر درونی که بر طریقه اویسیان در سخن شاعر ظاهر شده است:

پیر پیمان‌کش ما که روانش خوش باد
 گفت پرهیز کن از صحبت پیمان‌شکنان
 (دیوان حافظ: ص ۲۶۶)

و گاه شکل همسان‌سازی شده با دین، این کهن‌الگوها را به تفردی میکشاند که اساس آن، حرکت به سوی هسته روانی (خویش) قلمداد میشود:

در نمازم خم ابروی تو در یاد آمد
 حالتی رفت که محراب به فریاد آمد
 (همان: ص ۱۱۷)

این تفرد در شکل وسیع آن در ورای ذهن یونگ، رنگی اشراقی و افلاطونی میگیرد (فرهنگ توصیفی اصطلاحات روانشناسی، برونو: ص ۳۵۹) که احساسی رقیق و دقیق آن را همراهی کرده و - خودی - را موجب میشود که بر پایه واقعیت‌های اجتماعی، لذت‌جوییهای مخرب نهاد را سرکوب میکند و - فراخود - بر پایه باورهای دینی، وجدانی و ایمانی، خواسته‌هایش را واپس میراند و انسان را از کردار ناشایست بر حذر میدارد (آینده یک پندار، فروید: ص ۹۹). بر این اساس، شناخت حقیقت نهاد از اولویت‌های جستجوگر ادبی محسوب میشود. همینکه نهاد شناخته شود بسیاری از مشکلات رفع خواهد شد.

فرد بمثابة انسانی راه‌یافته: سالک در شعر سبک عراقی به فردیت شاعر عینیت مبخشد، از راه و رسم سلوک آگاه است:

به می سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید
 که سالک بی خبر نبود ز راه و رسم منزلها
 (دیوان حافظ: ص ۱)

شهود فردیت: به سیاق مکتب رمانتیسیم، استفاده از عناصر دینی بجهت غنی ساختن احساس شاعرانه و رواج اشراق در سبک عراقی نقطه عطفی در ادب فارسی است. این ویژگی که از نتایج آن شهود است، حدود و ثغور روح را درمیشکند:

گفتا نه این خواهم نه آن دیدار حق خواهم عیان
گر هفت بحر آتش شود من در روم بهر لقا
(کلیات شمس: ص ۵۰)

زاغ گو، بی خبر بمیر از عشق
که ز گل عندلیب غافل نیست
(دیوان عراقی: ص ۱۰۶)

نتیجه‌گیری

پس از مطالعه و تحلیل آرا و آثار محققان و سخنپردازان حوزه سبک عراقی و مکتب رمانتیسیم در متن پژوهش، نتایج ذیل حاصل آمد: سبک عراقی در کنار سایر ویژگیهای برجسته که در کتب سبک‌شناسی بدانها اشاره گردیده، اهمیت دیگری نیز دارد که در رابطه با مطالعات ادب تطبیقی و مشتمل بر مجموعه مختصاتی است که در سطح فکری مشابه با ادب رمانتیک در قرون معاصر است.

آزادی در بیان احساس، فردگرایی، علاقه‌مندی به توصیف طبیعت، دین‌مداری، تخیل وسیع و اندوهگرایی از مهمترین ویژگیهایی هستند که با تظاهر در آثار سخنوران سبک عراقی، میتوانند از جمله تشابهات با مکتب رمانتیسیم در ادبیات غرب محسوب گردند.

با تعمق در ادب شرق، این نکته روشن میشود که ویژگیهای فوق، از عناصر بااهمیت تشکیل‌دهنده آثار ادبی شرق باستان و ایران کهن است. با تکیه بر ادعای برخی از مهمترین رمانتیکهای غرب و نیز در دست داشتن آثاری از ادبای رمانتیک اروپا و اثبات شباهت آن آثار با ادب شرق و ایران و همچنین درک این نکته که حسگرایی و شهود عمدتاً شرقی و چهارچوبگرایی پراگماتیک غالباً غربی است، مشخص گردید که رمانتیسیم مکتب هنری و شهودی است و ادب ایران بویژه در محدوده‌ای که از آن به دوره سخنپردازان سبک عراقی یاد میشود، حائز بسیاری از مختصات آن در روش ابراز درونیات است.

شباهت مضمونی کلام رمانتیک با آثار فارسی غیرقابل‌انکار و رقت قلب، احساس عشق و اندوه ناشی از فراق معشوق، استفاده از ابزار تخیل و محور قرار دادن درونیات شاعر، در سخن شاعرانی چون حافظ، سعدی، مولانا، عطار و سایر بزرگان سبک عراقی چشمگیر و استفاده از کلماتی که از عناصر طبیعتند و خواننده را به تزکیه سوق داده، او را به درون میخوانند، رایج است.

اگرچه برخی از منتسب‌کنندگان این مکتب به شرق، عنوان بیماری بدان مینهند، اما باید دانست که این بیماری دل است که با عشق، شور، کشف و شهود ارتباط تنگاتنگ دارد. عناصری که بویژه در سبک عراقی آثاری بی‌بدیل در عرصه ادبیات جهان خلق کرده‌اند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه پیام نور استخراج شده است. آقای دکتر مرتضی حاجی مزدارانی راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای حامد رفعت‌جو به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر مصطفی گرگی و آقای دکتر علی میرزایی نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی، نقش

مشاوران این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشگاه پیام نور و هیئت داوران پایان نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Abd al-Rahman Ibn Khaldun. (1981). Introduction of Ibn Khaldun, Volume II, translated by Mohammad Parvin Gonabadi, fourth edition, Tehran: Book Translation and Publishing Company, p. 879.
- Abrams, M.H. (1993). Norton anthology of English literature. New York w.w: Norton and Company. VOLII, p 790.
- Ashrafzadeh, Reza. (2002). The Romanticism of Principles and Its Influence in Contemporary Iranian Poetry, *Journal of Mashhad Faculty of Literature and Humanities*, First and Second Issues, Thirty-Fifth Year, pp. 222, 219.
- Attar Neyshabouri, Faridodin. (2001). Mantiq al-Tair, by Seyed Sadegh Goharin, 17th edition, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company, pp. 5, 13, 15.
- Baym, Nina & others. (1989). the Norton a theology of American Literature, Third edition. New York ww: Norton and Company.
- Bigdelou, Reza. (2001). Archeology in the Contemporary History of Iran, Tehran: Markaz Publishing, p.123.
- Bloom Harold and Lionel Trilling. (1973). Romantic poetry and prose. New York: Oxford university press, p65.
- Bruno, Frank. (1995). Descriptive Dictionary of Psychological Terms, translated by Mahshid Yasa'i and Farzaneh Taheri, Tehran: Tarh Now, p. 359.
- Cuddon, J. A (1994). A Dictionary of Literary terms revised edition, Penguin Books.
- Eun, Frederick. (1987). Heinrich Heine and his works, translated by Houshang Bakhtari, Tehran: Selseleh, p. 203.
- Fakhreddin Iraqi. (1992). Poetry Divan, with introduction by Saeed Nafisi, sixth edition, Tehran: Javidan, pp. 88,89,106,111.
- Farshidvard, Khosrow. (1983). On Literature and Literary Criticism, Volume 2, Tehran: Amirkabir, pp. 741,740,739.

- Forrest, Lillian. (2001). *Romanticism*, translated by Masoud Jafari Jazi, third edition, Tehran: Markaz Publishing, p.11.
- Freud, Sigmund. (1978). *The Future of an Idea*, translated by Hashem Razi, Second Edition, Tehran: Asia, p. 99.
- Ghanimi Hilal, Mohammad. (1994). *Comparative Literature*, translated by Morteza Ayatollahzadeh Shirazi, Tehran: AmirKabir, p.69.
- Haddadi, Mahmoud. (2016). Interview about Goethe and Hafez, Iran Book News Agency (IBNA), June 28, 2016.
- Hafez, Shamsuddin Mohammad. (ND). *Poetry Divan*, composed by Mohammad Qazvini and Qasem Ghani, Tehran: Zavvar, pp. 1,96,117,266,279,288.
- Honarmandi, Hassan. (1972). *New Poetry Foundation in France and its connection with Persian poetry*, Tehran: Zavvar Bookstore, p. 280.
- Jafari Jazi, Massoud. (1999). *The course of romanticism in Europe*, Tehran, Markaz Publishing, p.97.
- Savuji, Jamal Oddin Salman. (1998). *Poetry Divan*, edited by Abbas Ali Vafaei, Tehran: publication of cultural works and honors, pp. 260, 267,313.
- Jami, Abdurrahman. (2000). *Poetry Divan*, Tehran: Miras maktub, p.766.
- Jovanovich, Harcourt Brace. (1974). *Literature, Structure, sound sense -vole. II. Poetry* Laurence Perrine (ed) New York, Inc., P. 647.
- Kamaluddin Masoud Khojandi. (1959). *Poetry Divan*, edited and edited by Aziz Dolatabadi, Tabriz: Tehran Bookstore, p.11.
- Khajo Kermani, Kamal Uddin Abol Ata. (1996). *Poetry Divan by Saeed Ghanei*, Tehran: Behzad, pp. 188,384.
- Meqdadi, Bahram. (2000). *Dictionary of Literary Criticism Terms*, Tehran: Fekr-e Rooz, p.195.
- Mozaffari, Alireza. (Conference 6). *Seventh Century, The Age of Celestial Poets, Proceedings of the Annual Conference on Persian Language and Literature*, Compiled by: Mohammad Sarvar Molaei, Hormozgan University, p. 285.
- Mulana, Jalaluddin Mohammad. (1996). *Generalities of Shams Tabrizi, based on the correction and nature of the late Badi'o-Zaman Forouzanfar* Tehran: Rabi, pp. 50,181.
- Qaraei, Shahla & Hayati Ashtiani, Karim. (2015). *The exact concept of modernity according to Charles Baudelaire and its distortions in modern Persian poetry, specialized magazine of Persian style and prose style (Spring of Literature), scientific, 8 (4), Consecutive issue 30. pp. 203, 202.*
- Reiman, Donald, and, H and Sharon B. powers. (1977). *she alleys poetry and prose -*. New York W. W. Norton and Company, p 223.
- Richardson Alan. (2001). *British romanticism and the science of the mind*. British, p 10.
- Sa'adi, Mosleh Ibn Abdullah. (2007). *Sa'adie's generalities*, by Mohammad Ali Foroughi, fourteenth edition, Tehran: AmirKabir, pp. 417,456,508,573,710.
- Seyed Hosseini, Reza. (1997). *Literary Schools*, 11th edition, Tehran: Negah, pp. 184,179.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (1981). *Persian Poetry Periods*, Tehran: Toos, pp. 95-94.
- Shamisa, Sirus. (2001). *Poetry Stylistics*, sixth edition, Tehran: Ferdows, p. 193.
- Zeymaran, Mohammad. (1998). *Phenomenological Essays on Art and Beauty*, Tehran: Kanoon, p. 268.

Zirakzadeh, Gholam Hossein. (1954). *Romantic Movement in French Literature, Volume One*, Tehran: University of Tehran Press, p.43.

فهرست منابع

- ادبیات تطبیقی، غنیمی هلال، محمد، (۱۳۷۲)، ترجمه مرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: امیرکبیر.
- ادوار شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۵۹)، تهران: توس.
- آینده یک پندار، فروید، زیگموند، (۱۳۵۷)، ترجمه، تحشیه و مقدمه از هاشم رضی، چاپ دوم، تهران: آسیا.
- باستانگرایی در تاریخ معاصر ایران، بیگدلو، رضا، (۱۳۸۰)، تهران: نشر مرکز.
- بنیاد شعر نو در فرانسه و پیوند آن با شعر فارسی، هنرمندی، حسن، (۱۳۵۰)، تهران: کتابفروشی زوار.
- جستارهایی پدیدارشناسانه پیرامون هنر و زیبایی، ضیمران، محمد، (۱۳۷۷)، تهران: کانون.
- درباره ادبیات و نقد ادبی، فرشیدورد، خسرو، (۱۳۶۲)، جلد دوم، تهران: امیرکبیر.
- دیوان اشعار کمال‌الدین ابوالعطا خواجه کرمانی، (۱۳۷۴)، به کوشش سعید قانعی، تهران: بهزاد.
- دیوان اشعار، جمال‌الدین سلمان ساوجی، (۱۳۷۶)، تصحیح عباسعلی وفاقی، تهران: نشر آثار و مفاخر فرهنگی.
- دیوان اشعار، حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد، (بی‌تا)، به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: زوار.
- دیوان اشعار، جامی، عبدالرحمن (۱۳۷۸)، تهران: میراث مکتوب.
- دیوان اشعار، عراقی، فخرالدین، (۱۳۷۰)، با مقدمه سعید نفیسی، چاپ ششم، تهران: جاویدان.
- دیوان اشعار، خجندی، کمال‌الدین مسعود (۱۳۳۷)، به تصحیح و اهتمام عزیز دولت‌آبادی، تبریز: کتابفروشی تهران.
- رمانتیسیم، اصول و نفوذ آن در شعر معاصر ایران، اشرف‌زاده، رضا، (۱۳۸۱)، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، (۱ و ۲) ۳۵، صص ۲۱۵-۲۳۴.
- رمانتیسیم، فورست، لیلیان، (۱۳۸۰)، ترجمه مسعود جعفری جزی، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.
- سبک‌شناسی شعر، شمیسا، سیروس، (۱۳۷۹)، چاپ ششم، تهران: فردوس.
- سده هفتم، عصر شاعران آسمانی، مظفری، علیرضا، (همایش ۶)، مجموعه مقالات همایش سالانه زبان و ادبیات فارسی، گردآوری و تدوین محمدرسور مولایی، دانشگاه هرمزگان.
- سیر رمانتیسیم در اروپا، جعفری جزی، مسعود، (۱۳۷۸)، تهران: نشر مرکز.
- فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی، مقدادی، بهرام، (۱۳۷۸)، تهران: فکر روز.
- فرهنگ توصیفی اصطلاحات روانشناسی، برونو، فرانک، (۱۳۷۳)، ترجمه مهشید یاسایی و فرزانه طاهری، تهران: طرح نو.
- کلیات شمس تبریزی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، (۱۳۷۴)، براساس تصحیح و طبع شادروان بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: ربیع.
- کلیات سعدی، سعدی، مصلح‌بن عبدالله، (۱۳۸۶)، به اهتمام محمدعلی فروغی، چاپ چهاردهم، تهران: امیرکبیر.
- مصاحبه درباره گوته و حافظ، حدادی، محمود (۱۳۹۷) خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، ۲۸ خرداد ۱۳۹۷.

نگاهی به سطح فکری سبک عراقی از دریچه‌ای تازه (نگاهی براساس مکتب رمانتیسم) ۳۳/

مفهوم دقیق مدرنیته از نظر شارل بودلر و کژتابیهای آن در شعر نو فارسی، قرائی، شهلا، حیاتی آشتیانی، کریم، (۱۳۹۴)، ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی (بهار ادب)، علمی، (۴) ۸، شماره پیاپی ۳۰، صص ۲۰۱-۲۱۸.

مقدمه ابن خلدون، عبدالرحمن بن خلدون، (۱۳۵۹)، جلد دوم، ترجمه محمد پروین گنابادی، چاپ چهارم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مکتبهای ادبی، سیدحسینی، رضا، (۱۳۷۶)، چاپ یازدهم، تهران: نگاه.

منطق الطیر، عطار نیشابوری، فریدالدین، (۱۳۸۰)، به اهتمام سیدصادق گوهرین، چاپ هفدهم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

نهیض رمانتیک در ادبیات فرانسه، زیرک‌زاده، غلامحسین، (۱۳۳۲)، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

هاینریش هاینه و آثار او، ایون، فردریک، (۱۳۶۶)، ترجمه هوشنگ باختری، تهران: سلسله.

معرفی نویسندگان

حامد رفعت‌جو: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(Email: hamed_rj_2001@yahoo.com)

مرتضی حاجی‌مزدارانی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(Email: mhaji1343@pnu.ac.ir)

مصطفی‌گرچی: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(Email: gorji310@pnu.ac.ir)

علی میرزایی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(Email: ap_mirzaie@pnu.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



Introducing the authors

Hamed Rafatjoo: PhD student in Persian language and literature, Payame Noor University, Tehran, Iran.

(Email: hamed_rj_2001@yahoo.com Responsible author)

Morteza Haji Mazdarani: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran.

(Email: mhaji1343@pnu.ac.ir)

Mostafa Gorji: Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran.

(Email: gorji310@pnu.ac.ir)

Ali Mirzaei: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran.

(Email: ap_mirzaie@pnu.ac.ir)